ریویو

نگاهی به کتاب «نظریه کنش ارتباطی»
رهایی زیست جهان

فرشاد کوشا

بررسی آثار و اندیشه یورگن هابرماس بی‌شک می‌تواند مقدمه پژوهشی گسترده در حیات فکری دهه‌های اخیر باشد. برای این ادعا دلایل متعددی را می‌توان ذکر کرد: نخست اینکه شاخت افکار او به‌مثابه شناخت بخش اعظمی از اصحاب مکتب فرانکفورت است؛ دوم اینکه مباحث سه دهه اخیر هابرماس با فیلسوفان و دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی متاخر است که هرکدام خود منشأ بحث و مجادله‌های دیگری شده است که به تحلیل، نقد و بررسی بیشتری نیاز دارد؛ سوم اینکه او در منظومه فکری و نظری خود، در نقدی محکم و رادیکال بر مدرنیته، طرح نظریه بسیار مهم «کنش ارتباطی» را مطرح می‌کند. او اقوزین بر آثار ایتکاری خود و نظریه کنش ارتباطی، به مطالعه جامعه‌شناسان و فیلسوفان معاصر و عقلانی‌شدن ماکس وبر دست زده است. هف او از این کار بررسی موضوع عقلانی‌شدن از جامعه سنتی تا مدرنیته است.

نظریه «کنش ارتباطی» هسته مرکزی منظومه هابرماس است و تمام اجزای عمده سلسله‌نظریه‌های هابرماس، از اندیشه‌های مربوط به سیر تکامل اجتماعی گرفته تا بحران مشروعیت در جامعه سرمایه‌داری، حوزه عمومی، دموکراسی گفتمانی و کل نظریه انتقادی (به‌عنوان یک دانش اجتماعی) در اساس، از آن منشأ می‌گیرد. این نظریه در عین حال نشانگر نقطه آغازی برای پارادایم تازه‌ای در نظریه‌پردازی اجتماعی و به‌معنزله پایانی برای پارادایمی است که بر فلسفه ذهن و آگاهی (پارادایم دکارتی) بنیاد داشته است. شرایط گفتار از این پارادایم و اجزای فکری اندیشمندان حوزه‌های گوناگونی فراهم کردند که هابرماس از باب نقد و بررسی با پالایش و پذیرش بر هر آنها که عمده‌ترین دستاوردهای فکری بخش اخیر قرن بیستم محسوب می‌شوند گزاره دارد. کتاب نظریه کنش ارتباطی قصد دارد مفهومی از عقلانیت را بپرورد که دیگر مسئله به پیش‌فرض‌های ذهن گرایانه و فردانگارانه فلسفه مدرن و علوم اجتماعی نباشد و بواسطه این پیش‌فرض‌ها محدود نشود؛ همچنین مفهومی دوسطحی از جامعه به دست می‌دهد که پارادایم‌های جهان زیست و سیستم را در هم ادغام می‌کند. هابرماس بر مبنای این زمینه یک نظریه انتقادی در باب تجدد طرح می‌کند که ضمن تجزیه‌وتحلیل جنبه‌های آسیب‌شناسانه تجدد و درحساب‌آوردن این جنبه‌ها حتوی پیشنهاد اصلاح پروژه روشنگری باشد به‌واپاندن آن و در نتوجه نکشی ارتباطی خود بدنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن کنشگران بتوانند بدون تحریف با همدیگر ارتباط داشته باشند و این ارتباط صورتا مبتنی بر استدلال و منطق باشد و هیچ‌گونه اجبار و اکراهی در آن مداخله نکند. به‌عبارت دیگر او می‌خواهد دوباره جوهره اصلی (همان حوزه سیاست و اجتماع که افکارعمومی می‌توانند در آن بحطور آزاد به گفت‌وگو بپردازند) را با طرح این نوع کنش انجام دهد. این نظریه به‌عنوان غایت خود، وضعیتی را در نظر می‌آورد که در آن ارتباط گاهاً آزادانه و نامحدود صورت پذیرد. هابرماس این مطلب را در مقام ارایه راه‌حلی برای «استعمار زیست‌جهان» که ناظر به سلطه عقلانیت ابزاری و نظام بر زیست‌جهان است، مطرح کرده و بر آن است که این روند باعث

بحران‌های متعدد در جامعه سرمایه‌داری شده و تنها راه‌حل این قضیه در رهایی زیست‌جهان، از چنگ استعمار نظام، نهفته است؛ تا از این طریق زیست‌جهان بتواند به شیوه مناسب خود (یعنی توافق ارتباطی آزادانه) عقلانی شود. هابرماس بر این مطالعات استدلال کرد تحت که مناقع و ایده‌ها در شکل‌بخشیدن به جریان تاریخ و عقلانی‌شدن اجتماعی نقش مضمون اصلی استدلال هابرماس این است که فرایند عقلانی‌شدن در مسیری پیش می‌رود که از یکسو ریشه در گذشته دارد و از سویی دیگر درگذار از زمان ما و متوجه آینده است؛ آینده‌ای که از این رو بالقوه عقلانی‌تر است و افزون بر این فرهنگ و اخلاق به‌صورت بالقوه و به‌طور کلی در مسیر دیالکتیک جاری فرهنگ و اخلاق با ساختارهای قدرت همچنان ادامه می‌یابد.

مباحث جلد اول در بخش اول با نام «عقل و عقلانیت در جامعه» و با فصول «رویکردهای مربوط به مسئله عقلانیت»، نظریه عقلانی‌شدن ماکس وبر، «تعلمات مبانی کنش اجتماعی، فعالیت هدف‌جو و ارتباط» و «از لوکاچ تا آدورنو: عقلانی‌شدن معنوی شی‌ء شدگی» مطرح شده‌اند. مباحث جلد دوم نیز در بخشی با نام «زیست جهان و نظام نقاد» مفهوم کارکردگرایانه عقل، در فصولی با عناوین «چرخش پراداییمی در کار مید و دورکهایم»، از فعالیت هدف‌جو به کنش ارتباطی»، «تعلمات مبانی: نظام زیست جهان»، «تالکوت پارسونز: دشواری‌های ساخت یک نظریه اجتماعی» و «تعلمات پایانی: از پارسونز تا میلچی ور به ماکس» مطرح شده‌اند. کتاب نظریه کنش اجتماعی جلد سال بیش در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ توسط موسسه انتشاراتی روزنامه ایران در دو جلد ترجمه و منتشر شد و با اینکه نسخه‌های کتاب خیلی زود در کتابفروشی‌ها یافت شد اما کمال وسواس، مترجم به جدیت چاپ آن اقدام نکرد چراکه به گفته خود او ترجمه آن خشنود نبوده و اینک هر دو مجلد با ویرایش جدید در یک جلد توسط نشر مرکز منتشر شده است.

نظریه کنش ارتباطی
یورگن هابرماس
ترجمه: کمال پولادی
ناشر: مرکز
قیمت: ۳۹۵۰۰ تومان

گفت‌وگو با ناصر زرافشان در بهانه ترجمه «۲۳گفتار درباره سرمایه‌داری»
بازار آزاد در هیچ جای جهان وجود خارجی ندارد

عکس: امیر حجدی شرق

علی سالم

کتاب «۲۳ گفتار درباره سرمایه‌داری» به‌تازگی با ترجمه ناصر زرافشان توسط نشر مهرویسا وارد بازار نشر شده است. این کتاب بعد از بحران سراسری اقتصادی سال ۲۰۰۸ توسط پروفسور «ها جون چانگ» استاد کرسی‌الاصل تاریخ اقتصاد و اقتصاد رفاه دانشگاه کمبریج نوشته شده و در زمان انتشار مورد استقبال زیاد قرار گرفت. چانگ در نقد سیاست‌های سرمایه‌داری مالی و بازار مالی جذاب و ملموس ۲۳مساله را در این ارتباط توضیح می‌دهد که دست‌اندرکاران این سیاست‌ها؛ «آنها را بروز نمی‌دهند، یا به‌شکل دیگر آن را تلطیف می‌کنند» (یا ترجمه مبرمحمود نبوی و مهرداد شهابی) و «چرا کشورهای در حال توسعه به تعرفه نیاز دارند؛ (با ترجمه حمیرضا افشرفزاده) از این نویسنده پیش از این به فارسی ترجمه شده بود. با وجود نگاه کینزی و اصلاح‌گرایانه نویسنده، ترجمه کتاب در شرایطی که ایران نیز در سالیان اخیر شاهد اوج گیری سیاست‌گیری‌های نئولیبرالی در اقتصاد و نتایج زیانبار آن بوده، معنایی مضاعف پیدا می‌کند. زرافشان را بیشتر به‌خاطر پیشینه‌اش در وکالت می‌شناسند اما ترجمه کتابی در حوزه اقتصاد سیاسی و چرایی آن یکی از همان مسایلی است که در کتاب مطرح می‌شود. «بروس لیبرال» نوشته سمیر امین و «مانیفست سرمایه‌داری» نوشته الکس کالینیکوس از ترجمه‌های پیشین زرافشان هستند. بهزودی ترجمه کتاب «کودتا» اثر بروالد آبراهامیان نیز از او منتشر خواهد شد. گفت‌وگو با او درباره این کتاب را در ادامه بخوانید:

انگیزه انتخاب و ترجمه این کتاب چه بوده است؟

واقعیت این است که اینطوری بازار آزاد با آن ادعاهای بزرگ و آن تبلیغات سرسام‌آور چندچند اخیر (تو رزد) آن درامده است. علتش شدن بحران مالی سال ۲۰۰۸ دیگر چایی را برای ادامه همان روش همیشگی آنکار و سربوش گذاری بر واقعیاتی که چندچند بود جریان داشت، باقی نگذارد نتایج عملی اجرای سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال، درست نقطه مقابل وعده‌هایی از آب درامد که در ابتدا داده شده بود این ایدئولوژی یا فرضیات موهومی از قبیل بازار آزاد، جامعه بیامعنتی، اقتصاد فروبازشی (قطره‌چکانی) و یا استفاده از وسایل و افزارهای سیاسی، به بدلیل موفقیت‌ها یا توجیهات اقتصادی، خود را بر اقتصاد جهان به اجرای سیاست‌های مستولی کرد. با ادعاهای بزرگی از این قبیل که دولت‌ها قادر به اجرای پروژه‌های بزرگ ملی نیستند و باید به سرمایه‌دارن اجازه داد بی‌هیچ مداخله دولتی، اینگونه پروژه‌ها را به انجام رساند، بعیدان آمد با تندید مالی‌گری، صدیت تعطیم‌آمیز با هرگونه برنامه‌ریزی و نظارت بوپوزه بر فعالیت‌های سرمایه مالی، نوئوندنان را هر روز نوئوندتر و فقرا را هر روز فقیرتر کرد؛ تندید اقتصادی را کندتر کرد و بحران و ورشکستگی بعابار آورد. رقتم‌رقتم معلوم شد دولتمردان و سیاستمدارانی که به‌عنوان نماینده و امین مردم و وجهه، وظیفه نظارت بر کار بانک‌ها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و سایر بنگاه‌های مالی را داشتند، خود اغلب، یا حمایت مالی این سرمایه‌ها انتخاب شده و در خدمت آنها بوده‌اند؛ یعنی به‌جای اینکه سیاستمدارن و دولتمردان این بانک‌ها و بنگاه‌های مالی را کنترل و بر کار آنها نظارت کنند، این بانک‌ها و موسسات مالی بودهاند که سیاستمدارن و دولتمردن را انتخاب و کنترل می‌کردهاند. در مجموع، عملکرد سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال چنان فاجعه‌بار بود که آن‌ها را به صرف مبالغ عظیمی که ناکنون سفته نداشته است قدام به بازخرید دارایی‌های مسموم؛ این بانک‌ها و بنگاه‌های مالی نکرده بودند. این بحران مالی به یک فروپاشی کامل اقتصادی منجر شده بود. کتاب «۲۳گفتار درباره سرمایه‌داری» یکی از کتابهایی است که به زدایی عملکرد این ایدئولوژی طی چند گذشته و افشای برخی نتایج این می‌پردازد که هوادران بازار آزاد به‌ظاهر آن را نوشته‌های دیگری هم علی‌الحال هنر است. آنها در این نوشته‌ها، تلاش می‌کنند تا با ارایه‌ی تصویر دیگری از بازار، فرار از واقعیتی که می‌خواهند آن را پنهان کنند، به‌واپاندن آن و در نتوجه نکشی ارتباطی خود بدنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن کنشگران بتوانند بدون تحریف با همدیگر ارتباط داشته باشند و این ارتباط صورتا مبتنی بر استدلال و منطق باشد و هیچ‌گونه اجبار و اکراهی در آن مداخله نکند. به‌عبارت دیگر او می‌خواهد دوباره جوهره اصلی (همان حوزه سیاست و اجتماع که افکارعمومی می‌توانند در آن بحطور آزاد به گفت‌وگو بپردازند) را با طرح این نوع کنش انجام دهد. این نظریه به‌عنوان غایت خود، وضعیتی را در نظر می‌آورد که در آن ارتباط گاهاً آزادانه و نامحدود صورت پذیرد. هابرماس این مطالب را در مقام ارایه راه‌حلی برای «استعمار زیست‌جهان» که ناظر به سلطه عقلانیت ابزاری و نظام بر زیست‌جهان است، مطرح کرده و بر آن است که این روند باعث بحران‌های متعدد در جامعه سرمایه‌داری شده و تنها راه‌حل این قضیه در رهایی زیست‌جهان، از چنگ استعمار نظام، نهفته است؛ تا از این طریق زیست‌جهان بتواند به شیوه مناسب خود (یعنی توافق ارتباطی آزادانه) عقلانی شود. هابرماس بر این مطالعات استدلال کرد تحت که مناقع و ایده‌ها در شکل‌بخشیدن به جریان تاریخ و عقلانی‌شدن اجتماعی نقش مضمون اصلی استدلال هابرماس این است که فرایند عقلانی‌شدن در مسیری پیش می‌رود که از یکسو ریشه در گذشته دارد و از سویی دیگر درگذار از زمان ما و متوجه آینده است؛ آینده‌ای که از این رو بالقوه عقلانی‌تر است و افزون بر این فرهنگ و اخلاق به‌صورت بالقوه و به‌طور کلی در مسیر دیالکتیک جاری فرهنگ و اخلاق با ساختارهای قدرت همچنان ادامه می‌یابد.

مباحث جلد اول در بخش اول با نام «عقل و عقلانیت در جامعه» و با فصول «رویکردهای مربوط به مسئله عقلانیت»، نظریه عقلانی‌شدن ماکس وبر، «تعلمات مبانی: کنش اجتماعی، فعالیت هدف‌جو و ارتباط» و «از لوکاچ تا آدورنو: عقلانی‌شدن معنوی شی‌ء شدگی» مطرح شده‌اند. مباحث جلد دوم نیز در بخشی با نام «زیست جهان و نظام نقاد» مفهوم کارکردگرایانه عقل، در فصولی با عناوین «چرخش پراداییمی در کار مید و دورکهایم»، از فعالیت هدف‌جو به کنش ارتباطی»، «تعلمات مبانی: نظام زیست جهان»، «تالکوت پارسونز: دشواری‌های ساخت یک نظریه اجتماعی» و «تعلمات پایانی: از پارسونز تا میلچی ور به ماکس» مطرح شده‌اند. کتاب نظریه کنش اجتماعی جلد سال بیش در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ توسط موسسه انتشاراتی روزنامه ایران در دو جلد ترجمه و منتشر شد و با اینکه نسخه‌های کتاب خیلی زود در کتابفروشی‌ها یافت شد اما کمال وسواس، مترجم به جدیت چاپ آن اقدام نکرد چراکه به گفته خود او ترجمه آن خشنود نبوده و اینک هر دو مجلد با ویرایش جدید در یک جلد توسط نشر مرکز منتشر شده است.

هاجون چانگ، استاد اقتصاد دانشگاه کمبریج برخلاف آنچه عموم کتابهای به دهن نخبه می‌گیرند، روانی نیست و به بسیاری چیزها با به‌ترتیب ۲۳گنته مقاوت آگاه باشد. بلکه همچون خاریشت ابرایا بیرون، بر یک مساله و مانع و بزرگ وقف است- آنکه لیبرالیسم زیاد تاکارآمد و درهم‌آشفته است: «بیشتر کشورها طی سه‌دهه اخیر سیاست‌های بازار آزاد را معمول و اجرا کردهاند. این سیاست‌ها عبارتاند از خصوصی‌سازی بنگاه‌های صنعتی و مالی تحت مالکیت دولت، حذف قوانین دولتی بازار مالیه و بازار صنعت، لیبرالیزه‌کردن تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، کاهش مالیات بر درامد و کاهش برداشتهای رفاهی. مدافعان این سیاست‌ها ادعا داشتند اجرای آنها ممکن است موفقیت‌های بسیاری را به‌ارمغان آورد اما در واقع نتیجه چند سال بیش در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۳ توسط موسسه انتشاراتی روزنامه ایران در دو جلد ترجمه و منتشر شد و با اینکه نسخه‌های کتاب خیلی زود در کتابفروشی‌ها یافت شد اما کمال وسواس، مترجم به جدیت چاپ آن اقدام نکرد چراکه به گفته خود او ترجمه آن خشنود نبوده و اینک هر دو مجلد با ویرایش جدید در یک جلد توسط نشر مرکز منتشر شده است.**

سطح جهان بود. اما با پایان‌یافتن دهه۸۰میلادی و پس از قریب به سه‌دهه رشد سالانه هشت‌درصدی توسعه به‌دنبال‌سازی و با درامد سرانهای تقریبا هزارتا با لیرانیل و نیوزیلند، خود را در مقام کشوری با سطوح متوسط بالایی از درامدها معطوف کند. چنین گذار موفقیت‌آمیزی از فقر به رفاه در کشوری وسیع که از تمامی منابع طبیعی محروم است، درست همان وعده‌ای است که برنامه‌ریزی متمرکز بلوک سوسیالیستی در تحقق آن ناکام مانده بود. اواخر دهه۱۹۸۰ در سمینازی شرکت داشتم که توسط یک زن از سرپرستان اتحاد جماهیر واقع شوروی در مدرسه اقتصادی لندن برپا شده بود. تمامی فضای سمینار تحت‌تاثیر شوروشور برآمده از اقتصاد سوسیالیستی نوین و اصلاح‌شده قرار گیرد. آن زن شعار بیان می‌کرد که کشورها با استفاده از برنامه‌ریزی متمرکز و بدون بهره‌گیری از بازار و بازار آزاد تصور می‌کنند- بواسطه ترکیبی از سیاست‌های حمایتی، پرداخت یارانه و دیگر سیاست‌هایی توانستند شدهاند که امروزه به کشورهای در حال توسعه توصیه می‌کنند هر گونه از آنها را بکار نگیرند.

او توضیح می‌دهد که چگونه همبلتون - معمار نظام اقتصادی مدرن لایتامنتحده- در گزارش خود به کنگره برای توسعه اقتصادی این کشور، حمایت‌گرایی را در کلون سیاست خود قرار داد و معتقد بود صنایع نوپاد،

۲۳ گفتار درباره سرمایه‌داری
هاجون چانگ
ترجمه: ناصر زرافشان
ناشر: مهرویسا
قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

لایتامنتحده نیاز به کلون سیاست‌های بازاری به دست آوردهاند. بهتر بود است بر درخی موارد شکست تعایلن مداخله دولت هم وجود داشت. اما بیشتر این کشورها در همان دروزهای بد گذشته، در مقایسه با دوره اصلاحات بازار آزاد خیلی سریع‌تر رشد کردند و توزیع درامد عادلانه‌تر و بحران‌های مالی کمتری داشتند. به‌علاوه، این گزاره که تقریبا همه کشورهای توانمند از خلال سیاست‌های بازار آزاد غنی شدهاند، درست نیست. حقیقت کیوبیتی خلاف این گزاره است: به‌جز تعداد استثنای کوچک، تمامی کشورهای توانمند کنونی - از جمله بریتانیا و لایتامنتحده که آنها را مهد تجارت آزاد و بازار آزاد تصور می‌کنند- بواسطه ترکیبی از سیاست‌های حمایتی، پرداخت یارانه و دیگر سیاست‌هایی توانمند شدهاند که امروزه به کشورهای در حال توسعه توصیه می‌کنند هر گونه از آنها را بکار نگیرند.

از توضیح می‌دهد که چگونه همبلتون - معمار نظام اقتصادی مدرن لایتامنتحده- در گزارش خود به کنگره برای توسعه اقتصادی این کشور، حمایت‌گرایی را در کلون سیاست خود قرار داد و معتقد بود صنایع نوپاد، اغلب افراد استثنایی هستند که مسایل به شیوه‌ای در طرح و تشریح شده که همراه با نقد عملکرد سیاست‌های نئولیبرال، یک آگاهی عمومی اقتصادی، یک زمینه عمومی از مبانی و مفاهیم اقتصادی هم به خواننده عادی که اطلاعات تخصصی اقتصادی ندارد، می‌دهد. دیگر اینکه الگوی طرح مطالب و ورود به بحث در فصل‌های مختلف کتاب، طرح مساله در قالب «به شما می‌گویند که...» «اما به شما نمی‌گویند که...» و سپس تشریح موضوع که با نوعی طنز ویژه، به شیوه مردم خاور دور آمیخته و شرح مطالب با اتکا به مثال‌های عینی و افشاگرانه که کتاب جذابیت ویژه‌ای داده که آن را از متون یکنواخت و کسل‌کننده تحلیلی متمایز می‌کند؛ مثلا وقتی در گفتار سوم کتاب، برای شروع بحث، یک راننده سوئدی را با یک راننده هندی مقایسه می‌کند که برای یک کار واحد، راننده سوئدی ۵۰ بار برابر راننده هندی دستمزد دریافت می‌کند؛ با همین مثال ساده واقعی اما تکان‌دهنده هم نشان می‌دهد این ادعای هواداران اقتصاد نولیبرال که می‌گویند در یک اقتصاد بازار، افراد متناسب با قابلیت تولیدشان دستمزد دریافت می‌کنند، چقدر بی‌پایه است و هم این مساله را در چشم‌انداز مطرح می‌کند که چرا اینطوری بازار آزاد که از لیبرال‌ترین‌ضد حرکت سرمایه و آزادی آن برای مهاجرت به هر جا که منافع بیشتر عاید آن شود، دفاع می‌کند. از آزادی مهاجرت نیروی کار تا قوانین غلاظ و شداد مهاجرت جلوگیری به‌عمل می‌آورد؟ چرا مرزهای ملی باید در برابر سرمایه فروریزند، اما در برابر نیروی کار وجود داشته باشند؟

ضمنا حالا که بحث این کتاب مطرح شده است: مایلم بدانم کدام در ترجمه و آماده‌کردن متن فارسی این کتاب برای نشر آقایان فرید شیرمحمد، وندا نوژن، شکیب شیخی و خانم روشنک قلی هم سهیم بوده و همکاری داشته‌اند. این موضوع در مقدمه کتاب هم آمده بود که ناشر بنا به «ملاحظاتی» که حالا دیگر به حوزه نشر هم سرایت کرده، ترجیح داده آن را حذف کند.

با طرح مساله کنترل مهاجرت نیروی کار، خودبه‌خود وارد بحث مضمونی کتاب شدیم. چه مسایلی عمدتا مورد بحث کتاب است؟

اولین مساله خود «بازار آزاد» است که اساس نظریه اقتصادی نئولیبرال را تشکیل می‌دهد؛ چیزی که واقعا بتوان بازار آزاد نامید در هیچ‌جای جهان وجود خارجی ندارد. بر بازار خود کشورهایی که حامیان اصلی نظریه «بازار آزاد» هستند (برخلاف آن مقررات و قوانین گوناگون، باید و نبایدها، ممنوعیت‌ها، الزامات و محدودیت‌های گوناگون قانونی، اقتصادی و سیاسی حاکم است. مولف می‌نویسد: «امنایی که به‌طور معمول از طرف اقتصاددان هوادار بازار آزاد مطرح می‌شود مبنی بر اینکه آنها می‌کوشند از بازار بر برابر دخالت دولت که انگیزه‌های سیاسی دارد دفاع کنند، ادعایی دروغ است. دولت همیشه در بازار درگیر است و آن هواداران بازار آزاد هم خود به‌اندازه هرکس دیگری اندیشه‌های سیاسی دارند. اما در اینجا هم سرمایه‌داری نئولیبرال- مانند بسیاری موارد دیگر- از این شعار برای مقابله با سیاست‌هایی که کشورهای دیگر- هر یک از آنها هم در جهت حفظ منافع خود- در بازارهایشان وضع می‌کنند و برای آن‌ها بی‌اثر می‌کنند استفاده می‌کند. کشورهای پیشرفته و توانمند سرمایه‌داری برای تامین منافع خود به این نیاز دارند که بازار همه کشورهای دیگر- بی‌هیچ ملغی- به روی آنها باز باشد. همان‌طور که سایر کشورها هم برای تامین منافع خود لازم می‌دانند نظارت‌هایی را بر بازارشان اعمال کنند. اما کشورهای اپیرالیستی علاوه بر اعمال نظارت‌های خود در قالب «شبه‌نظام‌هایی که گویی برای همه واجب‌الرعایه است اراده و به پول کنند شرایطی که کشورهای دیگر برای ورود و فعالیت سرمایه‌های خارجی وضع کنند، خلاف آزادی بازار است! با محدودیت و ممنوعیتی که خود کشورهای سرمایه‌داری برای ورود نیروی کار خارجی و فعالیت آن در این کشورها وضع می‌کنند، مغایرتی با آزادی بازار ندارد. یا در این‌باره لایتامنتحده در کلون کشورها وضع می‌کند، تعرفه‌ها و دیگر سیاست‌هایی که کشورهای توانمند کنونی خود به فروریختن مرزهای ملی دیگر کشورها و آزادی بی‌قیدوشرط تجارت نیاز دارند، یعنی این دروقلع نسخه‌ای است که با توجه به منافع خودشان برای همه جهان نوشته‌اند. مولف بحث خود راجعیه این برداکاری تاریخی کشورهای توانمند را با این نتیجه‌گیری به پایان می‌رساند که: «کشورهای توانمند، برخلاف پیشینه تاریخی خود، سعی می‌کنند تا با استفاده از شرایطی که برای کمک‌های متقابل خارجی می‌گذارند، کنترل واهای نهادهای مالی بین‌المللی (مثل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی) و همچنین نفوذ ایدئولوژیک خود بر عرصه غالب، روشنفکری، کشورهای در حال توسعه را به بازگردن مرزها و فراگرفتن در معرض نیروهای رقابت جهانی وادارند. آنها سیاست‌هایی را تشویق می‌کنند که خود هرگز آن زمان که کشورهایی در حال توسعه بودند، استفاده نمی‌کردند؛ با این حال خطاب به کشورهای رهنوتوسعه می‌گویند: آن کاری را بکن که من می‌گویم، نه آن کاری که من خودم انجام دادم»**

به‌عنوان جمع‌بندی باید گفت سیاست‌های تجارت آزاد و بازار آزاد اگر هم موثر واقع شده باشند، این تاثیر بامخرب و ناجیز بوده است. اکثر کشورهای توانمند کنونی، هنگامی که خود در حال توسعه بودند، از چنین سیاست‌هایی استفاده نکردند؛ زیرا این سیاست‌ها آهنگ رشد اقتصادی را کاهش و نابرابری را دامن‌زده است. کشورهای در حال توسعه هم سابقه اقتصادی داشته‌اند. از آنجا که نوسینده خود اقتصاددان از کرجوتنبی است، بر اقتصاد شرق دور و آنچه با نام «پیروزی آسیا» می‌شناسیم نیز مسلط است و آن را بعنوان تجربه‌ای موفق نام می‌برد. داستان توسعه اقتصادی برپرای شرق دور با بر آن معجزه اقتصادی چین، در این کتاب چگونه روایت می‌شود؟

این کتاب ضمن بررسی تاریخچه شرکت بوفالنگ و چونگنگ پیدایش صنعت فولاد کرجوتنبی نشان می‌دهد که چگونه یک شرکت دولتی که بوسیله یک فرد نظامی اداره می‌شد که انتصابش به این سمت هم بسایی بود در پروژه‌ای که سر تا پا با حمایت‌های دولتی اداره می‌شد و از دیدگاه اقتصاد بازار هیچ شرایط و ویژگی‌های آن منفی بود و به‌بدون دلیل هم با بنک جهانی، بادهدکان و اعطاکنندگان بانک‌ها، قلوب کمک‌های خارجی را از درگیرشدن در چنین پروژه‌ای بر حذر داشته بود، به یک از کارآمدترین تولیدکنندگان فولاد سبک در جهان تبدیل شد و این تنها نمونه‌ای نیست که پروژه‌ها بواسطه ایستکار عمل دولت، به چنین موفقیتی می‌رسند. سرکشدن شرکتهای مهم‌تر دیگری مانند گوم‌لو (جی، مهندسی و دیگران که همه آنها به ایستکار و زیر فشار دولت و باوجود آنکه بخش خصوصی به این رشتها سوق داده شدند نیز همین وقایعت را بعطور معمول از طرف اقتصاددان هوادار بازار آزاد مطرح می‌شود مبنی بر اینکه آنها می‌کوشند از بازار بر برابر دخالت دولت که انگیزه‌های سیاسی دارد دفاع کنند، ادعایی دروغ است. دولت همیشه در بازار درگیر است و آن هواداران بازار آزاد هم خود به‌اندازه هرکس دیگری انگیزه‌های سیاسی دارند. اما در اینجا هم سرمایه‌داری نئولیبرال- مانند بسیاری موارد دیگر- از این شعار برای مقابله با سیاست‌هایی که کشورهای دیگر- هر یک از آنها هم در جهت حفظ منافع خود- در بازارهایشان وضع می‌کنند، استفاده می‌کند. کشورهای پیشرفته و توانمند سرمایه‌داری برای تامین منافع خود به این نیاز دارند که بازار همه کشورهای دیگر آزاد شود. اما کشورهای توانمند کنونی خود، سعی می‌کنند تا با استفاده از شرایطی که برای کمک‌های متقابل خارجی می‌گذارند، کنترل واهای نهادهای مالی بین‌المللی (مثل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی) و همچنین نفوذ ایدئولوژیک خود بر عرصه غالب، روشنفکری، کشورهای در حال توسعه را به بازگردن مرزها و فراگرفتن در معرض نیروهای رقابت جهانی وادارند. آنها سیاست‌هایی را تشویق می‌کنند که خود هرگز آن زمان که کشورهایی در حال توسعه بودند، استفاده نمی‌کردند؛ با این حال خطاب به کشورهای رهنوتوسعه می‌گویند: آن کاری را بکن که من می‌گویم، نه آن کاری که من خودم انجام دادم»**

با توجه به اینکه این کتاب مطرح شده است: بر اقتصاد شرق دور و آنچه با نام «پیروزی آسیا» می‌شناسیم نیز مسلط است و آن را بعنوان تجربه‌ای موفق نام می‌برد. داستان توسعه اقتصادی برپرای شرق دور با بر آن معجزه اقتصادی چین، در این کتاب چگونه روایت می‌شود؟

این کتاب ضمن بررسی تاریخچه شرکت بوفالنگ و چونگنگ پیدایش صنعت فولاد کرجوتنبی نشان می‌دهد که چگونه یک شرکت دولتی که بوسیله یک فرد نظامی اداره می‌شد که انتصابش به این سمت هم بسایی بود در پروژه‌ای که سر تا پا با حمایت‌های دولتی اداره می‌شد و از دیدگاه اقتصاد بازار هیچ شرایط و ویژگی‌های آن منفی بود و به‌بدون دلیل هم با بنک جهانی، بادهدکان و اعطاکنندگان بانک‌ها، قلوب کمک‌های خارجی را از درگیرشدن در چنین پروژه‌ای بر حذر داشته بود، به یک از کارآمدترین تولیدکنندگان فولاد سبک در جهان تبدیل شد و این تنها نمونه‌ای نیست که پروژه‌ها بواسطه ایستکار عمل دولت، به چنین موفقیتی می‌رسند. سرکشدن شرکتهای مهم‌تر دیگری مانند گوم‌لو (جی، مهندسی و دیگران که همه آنها به ایستکار و زیر فشار دولت و باوجود آنکه بخش خصوصی به این رشتها سوق داده شدند نیز همین وقایعت را بعطور معمول از طرف اقتصاددان هوادار بازار آزاد مطرح می‌شود مبنی بر اینکه آنها می‌کوشند از بازار بر برابر دخالت دولت که انگیزه‌های سیاسی دارد دفاع کنند، ادعایی دروغ است. دولت همیشه در بازار درگیر است و آن هواداران بازار آزاد هم خود به‌اندازه هرکس دیگری انگیزه‌های سیاسی دارند. اما در اینجا هم سرمایه‌داری نئولیبرال- مانند بسیاری موارد دیگر- از این شعار برای مقابله با سیاست‌هایی که کشورهای دیگر- هر یک از آنها هم در جهت حفظ منافع خود- در بازارهایشان وضع می‌کنند، استفاده می‌کند. کشورهای پیشرفته و توانمند سرمایه‌داری برای تامین منافع خود به این نیاز دارند که بازار همه کشورهای دیگر آزاد شود. اما کشورهای توانمند کنونی خود، سعی می‌کنند تا با استفاده از شرایطی که برای کمک‌های متقابل خارجی می‌گذارند، کنترل واهای نهادهای مالی بین‌المللی (مثل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی) و همچنین نفوذ ایدئولوژیک خود بر عرصه غالب، روشنفکری، کشورهای در حال توسعه را به بازگردن مرزها و فراگرفتن در معرض نیروهای رقابت جهانی وادارند. آنها سیاست‌هایی را تشویق می‌کنند که خود هرگز آن زمان که کشورهایی در حال توسعه بودند، استفاده نمی‌کردند؛ با این حال خطاب به کشورهای رهنوتوسعه می‌گویند: آن کاری را بکن که من می‌گویم، نه آن کاری که من خودم انجام دادم»**

از جمله بریتانیا و لایتامنتحده که آنها را مهد تجارت آزاد و بازار آزاد تصور می‌کنند- بواسطه ترکیبی از سیاست‌های حمایتی، پرداخت یارانه و دیگر سیاست‌هایی توانمند شدهاند که امروزه به کشورهای در حال توسعه توصیه می‌کنند هر گونه از آنها را بکار نگیرند»

از توضیح می‌دهد که چگونه همبلتون - معمار نظام اقتصادی مدرن لایتامنتحده- در گزارش خود به کنگره برای توسعه اقتصادی این کشور، حمایت‌گرایی را در کلون سیاست خود قرار داد و معتقد بود صنایع نوپاد،

هاجون چانگ، استاد اقتصاد دانشگاه کمبریج برخلاف آنچه عموم کتابهای به دهن نخبه می‌گیرند، روانی نیست و به بسیاری چیزها با به‌ترتیب ۲۳گنته مقاوت آگاه باشد. بلکه همچون خاریشت ابرایا بیرون، بر یک مساله و مانع و بزرگ وقف است- آنکه لیبرالیسم زیاد تاکارآمد و درهم‌آشفته است: «بیشتر کشورها طی سه‌دهه اخیر سیاست‌های بازار آزاد را معمول و اجرا کردهاند. این سیاست‌ها عبارتاند از خصوصی‌سازی بنگاه‌های صنعتی و مالی تحت مالکیت دولت، حذف قوانین دولتی بازار مالیه و بازار صنعت، لیبرالیزه‌کردن تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، کاهش مالیات بر درامد و کاهش برداشتهای رفاهی. مدافعان این سیاست‌ها ادعا داشتند اجرای آنها ممکن است موفقیت‌های بسیاری را به‌ارمغان آورد اما در واقع نتیجه چند سال بیش در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۳ توسط موسسه انتشاراتی روزنامه ایران در دو جلد ترجمه و منتشر شد و با اینکه نسخه‌های کتاب خیلی زود در کتابفروشی‌ها یافت شد اما کمال وسواس، مترجم به جدیت چاپ آن اقدام نکرد چراکه به گفته خود او ترجمه آن خشنود نبوده و اینک هر دو مجلد با ویرایش جدید در یک جلد توسط نشر مرکز منتشر شده است.**

نگاهی به کتاب «بیست‌وسه گفتار درباره سرمایه‌داری»
خارپشتی در قبال سرمایه‌داری

پول آنبرباخ • ترجمه: نوید نزهت

**به نظر می‌رسد که هاجون چانگ در این بین، تنهد می‌تواند مطلع به آموزش تعدیر مشترک شرکت سیاست‌های جانشین سیر متفاوتی را در پیش می‌گیرد. او در گفتار هجدهم خاطرنشان می‌کند: «تحصیلات بیشتر به خودی خود سبب توزندشدن تفکر کنار نمی‌شود؛ مخالفت با چنین تصوری به‌راستی دشوار است. اگر به‌جای راه‌اندازی نتیجه‌بخش در راستای توسعه اقتصادی مناسب ملی، مخالفت مهارت‌های بر مرحیط کار است که با فع